



## چندوچون آموزگاران معتاد به مواد مخدر در بدخشان

خوشقدم عثمانی - فیض آباد

شنبه 19-6-90

حد اقل 2500 معلم در بدخشان معتاد به مواد مخدر اند. آنها از ترس اینکه در ایام تداوی وظیفه شانرا از دست میدهند، معتاد بودن خودرا کتمان میکنند. اما تا هنوز برای تداوی آنها برنامه ویژه ای رویدست نیست.

استفاده تریاک در اکثریت ولسوالی های ولایت بدخشان به یک عرف اجتماعی



مبدل شده و تعدادی زیادی از مردم ، این مواد زهری و کشنده را برای تسکین و درمان مریضان شان بخصوص اطفال استفاده می کنند. حتی در مناطقی که به خدمات صحی دست رسی دارند، باز هم تریاک مورد استفاده قرار میگیرد.

این امر باعث افزایش تعداد زیادی

معتادان گردیده و این وضعیت حتی شاگردان مکاتب را نیز متاثر ساخته است.

در داور از همه اینکه تعداد بی شماری از آموزگاران مکاتب در ولسوالی های دوردست این ولایت که مشغول تدریس اند، معتاد به مواد مخدر هستند.

شماری از معلمان که معتاد به مواد مخدر هستند از زندگی فعلی خود شکایت نموده می گویند: "در وضعیتی که ما فعلا قرار داریم درست نیست که ما به صفت یک آموزگار در صنف داخل شویم اما چاره نیست چراکه ما دیگر عواید نداریم"

آنها مدعی اند، با آنکه دولت وظیفه دارد تا تدابیری را برای تداوی ما روی دست بگیرد، اما متأسفانه هیچ اقدامی در زمینه صورت نگرفته است.

یکتن از این آموزگاران در ولسوالی زبیاک که نخواست نامش فاش شود می گوید: «در وقت جنگ های داخلی، تریاک زیادی در این ولایت وجود داشت که از طریق ولسوالی های وردوج، بهارک و جرم به این ولسوالی انتقال داده میشد و به بسیار آسانی در اختیار ما قرار میگرفت که با خوردن و دود کردن آن، از آن زمان تا حال معتاد هستیم و بدون تریاک نمی توانیم تدریس کنیم. زیرا موقعیکه بدون کشیدن تریاک داخل صنف میشویم، خواب مان میبرد و تدریس کرده نمیتوانیم»

به گفته وی حالا آنها از اعتیاد به مواد مخدر پشیمان شده اند چرا که با سه تا چهار هزار معاش که از شغل معلمی بدست می آورند، توانایی خریداری تریاک را ندارند. وی میگوید: «معاش را که از معلمی بدست می آوریم، مخارج زندگی مان را تامین کرده نمی تواند، چراکه از این پول، یک مقدارش را برای تریاک و مقدار دیگر آنرا به قرضدار میدهیم. دیگر امکانات در اختیار نداریم تا خود را تداوی کنیم»

وی خاطر نشان ساخت که اگر مقامهای معارف در زمینه توجه نکنند، وضعیت مکاتب بدتر شده و به آمار معتادین افزوده خواهد شد.

به گفته او تا هنوز هیچ مرکز تداوی معتادین در آن ولسوالی وجود ندارد و تنها دفتر (اگه ایف) چند سال پیش برنامه تداوی معتادین را روی دست گرفته بود که در نبود ادویه کافی و امکانات لازم کسانی را که تحت تداوی قرار دادند، آنها دوباره به مواد مخدر روی آوردند.

وی که تصمیم گرفته است تا از این عمل دست بردارد، ولی نیازمند تداوی میباشند و نگران این است که اگر پیشنهاد برای تداوی نمایند آنها را از وظیفه اخراج مینمایند. بنا برای اینکه مردم از اعتیاد آنها آگاهی نداشته باشند و مقامها در زمینه چیزی ندانند، سکوتی بادود هیروین، تریاک و چرس را ترجیح میدهند.

آموزگار دیگری از ولسوالی شغنان که او نیز نخواست نامش فاش شود، میگوید: در ابتدا فکر نمی کردم که معتاد شوم چراکه من برای اعتیاد نی بلکه برای تسکین درد خود مانند سر دردی، تب و سرفه از تریاک استفاده می نمودم و این یک عادت عادی در میان مردم می باشد و این امر سبب می شود که مردم آهسته آهسته معتاد شوند و وقتیکه معتاد شدند، دیگر به آسانی نمی توانند از اعتیاد دست بردارند.

به گفته وی، آنها از اعتیاد به مواد مخدر پشیمان هستند و اگر تحت تداوی قرار گیرند بهبود خواهند یافت ولی از ترس اینکه بحیث معلمین معتاد به مواد مخدر وظیفه شان را از دست دهند، معتاد بودن شان را کتمان میکنند. وی می افزاید: «مقامهای معارف بایدبا در نظر داشت مشکلات معلمان برنامه تداوی معلمان را که معتاد هستند به صورت جمعی روی دست بگیرند و به این مشکل پایان دهد.»

به گفته او، هیچ مرکز درمانی برای تداوی معتادین در این ولسوالی وجود ندارد و اگر قرار بر این باشد که آنها تحت تداوی در مرکز ولایت قرار گیرند، باید به آنها اطمینان داده شود که وظیفه شان را از دست نمی دهند. چرا بسیاری معلمان هراس دارند، زمانی تحت تداوی قرار گیرند، افرادی دیگری به عوض آنها استخدام میشود.

با این حال مقامهای معارف در بدخشان امار 2500 نفر معلم معتاد به مواد مخدر و مشکلات آنان را در این ولایت تائید نموده میگویند که در سال 1390 برنامه سروی جدید را به منظور دریافت آمار دقیق معتادان روی دست گرفته اند.

عبدالمعبود دودی، رئیس معارف بدخشان گفت: «معلمان ولسوالی های مرزی چون شغنان، اشکاشم، زیباک و واخان از سالهای بسیار دور به این طرف معتاد هستند و طبق سروی که در سالهای گذشته انجام دادیم تقریباً 2500 تن از آموزگاران به مواد مخدر معتاد بودند و حالا با راه اندازی یک سروی دیگر میخواهیم که آمار دقیق تری از معتادان در اختیار داشته باشیم تا در جهت تداوی آنها اقدام نمائیم.» به گفته وی ریاست معارف به مدیریت های معارف دستور داده است تا به صورت غیر مستقیم افراد معتاد را شناسایی نموده و جهت تداوی به ارگانهای مربوط معرفی گردند.

او ادعاهای معلمان را مبنی بر اینکه ریاست معارف در زمینه تداوی آنها توجهی ندارد، رد نموده میگوید: «ریاست معارف هیچ گاهی در این قضیه بی تفاوت نبوده و اینکه بسیاری معلمان تا هنوز تداوی نشده اند، مشکل خود شان بوده است که کتمان کاری کرده اند در حالیکه ریاست معارف بار بار به آنها اطمینان داده که اگر تثبیت شود که شما معتاد هستید، این ریاست در هماهنگی با موسسات مربوط به تداوی شما اقدام خواهد کرد ولی نگرانی های را که آنها دارند در واقع تشخیص آنها را دشوار ساخته است به همین منظور برنامه ای احصائیه گیری غیر مستقیم یا مخفیانه را آغاز نمودیم.»

با آنکه ریاست معارف مدعی است که برنامه ای را برای تداوی این گروه  
آموزگاران رویدست دارد، اما گفته میشود که این پروگرام پس از انجام سروی و  
تثبیت این معلمین اجرا خواهد شد.